

سوره بیست و ششم - شعرا

این سوره در مکه نازل شده و ۲۲۷ آیه دارد.

به نام خداوند بخشنده مهربان

طا. سین. میم. (۱) این است آیه‌های کتاب روشن. شاید خود را هلاک کنی که چرا آنها ایمان نمی‌آورند! اگر بخواهیم آیتی از آسمان بر آنان نازل می‌کنیم که گردن‌هایشان در برابر آن خاضع شود! هیچ پند تازه‌ای از جانب خدای بخشنده بر آنان نیاید مگر آن که از آن روی برتابند! همانا تکذیب کردند به زودی اخبار آن چه استهزاء کردند برایشان می‌رسد! چرا بر زمین نمی‌نگرند که آن همه انواع گیاهان نیکو در آن رویانندیم! در آن نشان عبرتی است ولی بیشتر آنها ایمان نمی‌آورند! همانا پروردگارت عزیز و مهربان است! (۲ - ۹)

به یاد آر آن دم را که پروردگارت موسی را ندا داد که به سوی گروه ستمگاران برو! قوم فرعون. (بگو) چرا تقوی و پرهیزگاری نمی‌کنند؟! هارون را برای ابلاغ پیام بفرست! آنان را بر من گناهی است و می‌ترسم مرا بکشند! (۱۰ - ۱۴)

فرمود نه چنین است! هر دو با آیات و معجزات ما به سوی آنها بروید و بگوئید ما فرستاده پروردگار جهانیانیم. که بنی‌اسرائیل را با ما (به سرزمینشان) بفرست. (۱۵ - ۱۷)

(فرعون) گفت مگر تو را از کودکی در میان خود تربیت نکردیم و تو سالیانی از عمرت را بین ما سپری نکردی و آن عمل بد را که کردی (کشتن یک قطعی) خودت کردی و تو از ناسپاسان هستی! گفت من آن کار را هنگامی کردم که از گمراهان بودم و چون از شما ترسیدم از دستتان گریختم و پروردگارم به من نبوت بخشید و مرا از پیامبران قرار داد و آیا این است نعمتی که بر من منتهی می‌نهی که بنی‌اسرائیل را به بندگی گرفتی؟! (۱۸ - ۲۲)

(فرعون) گفت پروردگار جهانیان چیست؟ گفت پروردگار آسمان‌ها و زمین و آن چه در میان آنهاست اگر باور داشته باشید! (فرعون) به اطرافیانش گفت آیا می‌شنوید؟ موسی ادامه داده گفت پروردگار شما است و پروردگار پدران پیشین شما! (فرعون به اطرافیان) گفت همانا پیامبری که به سوی شما فرستاده شده دیوانه است! (موسی) گفت پروردگار مشرق و مغرب و آن چه بین آنهاست اگر تعقل کنید. (فرعون) گفت اگر غیر از من خدائی بگیری از زندانیانت قرار می‌دهم! (موسی) گفت (حتی) اگر معجزه آشکاری برایت بیاورم؟! گفت اگر راست می‌گویی بیار! موسی عصایش را انداخت که ناگهان اژدهای آشکاری شد! و دستش را از گریبان درآورد که به نظر بینندگان رخشان بود! (فرعون) به کسان دور خود گفت بی‌گمان این ساحر دانائی است! می‌خواهد با سحر و جادو شما را از سرزمینتان بیرون کند. چه نظر می‌دهید؟! گفتند او برادرش را نگاه دار و گردآورندگانی به شهرها بفرست تا جادوگران ماهر را پیش تو آورند! (۲۳ - ۳۷)

پس جادوگران در وقت مقرر در وعده‌گاه معین گردآمدند. به مردم گفته شد آیا (برای تماشا) گرد می‌آئید که نتیجه را ببینید؟ باشد اگر ساحران غالب آیند از آنها پیروی کنیم! چون جادوگران آمدند به فرعون گفتند اگر ما پیروز شویم آیا مزد و اجرتی برای ما هست؟! گفت بلی. و شما در آن صورت از مقربان خواهید بود! (۳۸ - ۴۲)

موسی به آنها گفت آن چه خواهید بیفکنید! پس آنها ریسمان و چوبدستی‌های خود بیفکندند و گفتند سوگند به عزت فرعون که ما غالب خواهیم بود! موسی عصایش را انداخت که به ناگاه آن چه را که ساحران به دروغ ساخته بودند فرو برد! ساحران سجده‌کنان به رو افتادند! گفتند ایمان آوردیم به پروردگار عالمیان. پروردگار موسی و هارون!

فرعون گفت چرا پیش از آن که من به شما اجازه بدهم ایمان آوردید؟ او بزرگ شما است که جادو به شما آموخته است. بهزودی خواهید دانست. دست‌ها و پاهایتان را به عکس یکدیگر می‌بُرم و همگی‌تان را بر دار می‌کنم! گفتند باک نیست ما به سوی پروردگاران بازمی‌گردیم! امیدواریم پروردگاران از گناهان ما درگذرد که از نخستین ایمان آوردگانیم! (۴۳ - ۵۱)

و به موسی وحی کردیم بندگان مرا شبانه ببر که فرعونیان شما را تعقیب خواهند کرد! فرعون گردآورندگان لشکر به شهرها فرستاد. (که به مردم گفتند) این‌ها اندکند که ما را به خشم آورده‌اند! ما همگی سلاح به تن کرده‌ایم! (۵۲ - ۵۶)

پس (فرعونیان را) از باغ‌ها و چشمه‌سارها بیرونشان کردیم. و از گنج‌ها و جایگاه‌های گرامی! این چنین شد و بنی اسرائیل را وارث آنها نمودیم. پس فرعونیان هنگام طلوع آفتاب آنها را دنبال کردند. و هنگامی که دو گروه همدیگر را دیدند یاران موسی گفتند اینک ما را گرفتند! موسی گفت هرگز! پروردگار من با من است و مرا رهبری خواهد کرد! به موسی وحی کردیم که عصای خویشتن به دریا بزن. پس دریا شکافته شد و هر قسمتی چون کوه بزرگی نمودار گردید دیگران را در آن جای دادیم و موسی و کسانی را که با وی بودند جمله نجات بخشیدیم! سپس دیگران را غرق نمودیم. بی‌گمان در آن عبرتی است و بیشترشان ایمان آوردگان نبودند! همانا پروردگار تو مقتدر مهربان است. (۵۷ - ۶۸)

(ای‌محمد) خبر ابراهیم را بر آنان بخوان. هنگامی که به پدر و قبیله‌اش گفت چمی‌پرسنید؟ گفتند بت‌هایی را می‌پرستیم که از پیش در پرستش آنها بوده‌ایم و هستیم. گفت وقتی آنها را می‌خوانید آیا ندایتان را می‌شنوند؟ یا بر شما سودی می‌بخشند یازیانی می‌رسانند؟! گفتند نه! بلکه پدران خود را دیده‌ایم که چنین می‌کردند. گفت آیا می‌دانید چه می‌پرستید شما و پدران پیشینیان؟! پس آنها دشمنان منند مگر پروردگار جهانیان. آن که مرا آفریده هدایت می‌نماید. آن که طعام می‌دهد و سیراب می‌نماید. و وقتی بیمار شوم شفایم می‌بخشد. و آن که مرا می‌میراند و زنده می‌گرداند. و آن که امید دارم روز قیامت از گناهم درگذرد! (۶۹ - ۸۲)

پروردگار! بر من فرزاندگی عنایت کن و در زمره نیکانم قرار ده. و نزد آیندگان نیک‌نامم گردان. و مرا از میراث برندگان بهشت فرما. پدرم را بیامرز که او از گمراهان بود! روز قیامت رسوایم مگردان. روزی که مال و فرزندان به آدمی سود ندهد. مگر آن کس که قلب پاک نزد خدا آورد. (۸۳ - ۸۹)

آن روز بهشت به پرهیزگاران نزدیک شود. و دوزخ بر گمراهان نمودار گردد. و بر آنها گفته شود کجایند آنهایی که می‌پرستیدید؟! معبودانی که به غیر از خدا بودند آیا آنها به شما مدد می‌رسانند یا خود یاری می‌خواهند؟ پس آن (بت‌ها و) پرستندگان در آتش نگوئسار شوند! و سپاهیان ابلیس نیز جملگی! در حالی که در آنجا با هم خصومت کنند و گویند. سوگند به خدا که در ضلالت آشکار بودیم. که شما را با پروردگار جهانیان برابر می‌گرفتیم! ما را گمراه نکرد مگر گناهکاران! حالا نه شفاعت‌کنندگانی داریم. و نه دوست مهربانی! ای‌کاش بار دیگر بازگشتی برای ما بود تا از ایمان‌آوردگان می‌شدیم! همانا در این (ندامت آنها) آیت عبرتی برای مردم است ولی بیشتر آنها مؤمن نبودند! و بی‌گمان پروردگار تو همو عزیز مهربان است. (۹۰ - ۱۰۴)

قوم نوح پیامبران را تکذیب کردند. وقتی برادرشان نوح به آنها گفت چرا تقوی پیشه نمی‌گیرید؟ من پیامبر ایمنی بر شما هستم. از خدا بترسید و مرا فرمان ببرید. من برای این رسالت از شما پاداشی نمی‌خواهم. پاداش من بر عهده پروردگار جهانیان است! از خدا

بترسید و مرا فرمان ببرید! گفتند چگونه به تو ایمان آوریم که فرومایگان تو را پیروی کرده‌اند؟! گفت من چه دانم که آنها چه کاره‌اند. اگر بفهمید حساب آنها جز بر پروردگار من نمی‌باشد. و من این مؤمنان را دور نخواهم کرد! من جز یک بیم‌دهنده آشکار نیستم! گفتند ای نوح اگر بس نکنی سنگسارت می‌کنیم! گفت پروردگارا! قوم من دروغگویم می‌شمارند. میان من و آنها داور کن و مرا با مؤمنانی که با منند نجات بده! پس او و کسانی را که در کشتی پر بودند نجات دادیم سپس باقیماندگان را غرق ساختیم! بی‌گمان در این آیت عبرتی است ولی بیشترشان مؤمن نبودند! و همانا پروردگار تو مقتدر مهربان است! (۱۰۵ - ۱۲۲) قوم عاد نیز پیامبران را تکذیب کردند. آنگاه که برادرشان هود به آنان گفت چرا (از عذاب خدا) نمی‌ترسید؟! من پیامبر ایمنی برای شما هستم. از خدا بترسید و مرا فرمان ببرید. من بر این رسالت از شما پاداشی نمی‌خواهم. پاداش من بر عهده پروردگار جهنمیان است. چرا بر هر جای بلندی بیهوده نشانی می‌سازید. و کوشک‌ها برای خود می‌گیرید به گمان این که جاودان بمانید. و چون در صدد حمله برمی‌آئید به سان جباران حمله می‌کنید! از خدا بترسید و از من فرمان ببرید. و بترسید از آن که شما را بدان چه می‌دانید یاری کرد. با چهارپایان و پسران یاریتان نمود و با باغ‌ها و چشمه‌سارها. به راستی که من از عذاب روز بزرگ قیامت بر شما ترسانم! گفتند چه پند دهی و چه پند ندهی برای ما یکسان است! این رسم پیشینیان است. هرگز بر ما عذابی نخواهد بود! پس او را تکذیب کردند ما هم آنها را هلاک نمودیم. بی‌گمان در این آیه عبرتی است و بیشتر آنها مؤمن نبودند و همانا پروردگار تو هم مقتدر مهربان است. (۱۲۳ - ۱۴۰)

قوم ثمود هم پیامبران را تکذیب کردند. وقتی برادرشان صالح به آنان گفت چرا تقوی پیش نمی‌گیرید؟ من پیامبر ایمنی برای شما هستم. از خدا بترسید و از من اطاعت کنید. و من برای رسالت از شما پاداشی نمی‌خواهم. پاداش من بر عهده پروردگار جهنمیان است. مگر شما را در این دنیا رها می‌کنند که در آن چه دارید ایمن باشید! در باغ‌ها و چشمه سارها. و کشتزارها و نخلستان‌ها، که شکوفه‌های لطیف دارند، و در خانه‌هایی که ماهرانه در کوه‌ها می‌تراشید؟! از خدا بترسید و از من اطاعت کنید. و اسرافکار را پیروی ننمائید. کسانی که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌نمایند! گفتند حقا که تو جادو شده‌ای. تو جز بشری مثل ما نیستی. اگر راست می‌گویی معجزه‌ای برای ما بیا! گفت این ماده شتری است (یک روز) برای او آب خوردن (از چشمه) معین است و (یک روز) آب خوردن برای شما. و او را می‌آزاید که عذاب روز بزرگ شما را فرا گیرد! ولیکن او را پی‌زدند و صبح پشیمان گشتند. پس عذاب آنان را در گرفت! همانا در آن آیت عبرتی است ولی بیشترشان مؤمن نبودند. و بی‌گمان پروردگار تو هم مقتدر مهربان است. (۱۴۱ - ۱۵۹)

قوم لوط نیز پیامبران را تکذیب کردند. هنگامی که برادرشان لوط به آنها گفت چرا از خدا نمی‌ترسید؟! من فرستاده ایمنی برای شما هستم. از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید. برای رسالت خویش از شما مزد و پاداشی نمی‌خواهم. پاداش من بر عهده پروردگار جهنمیان است. چرا از اهل عالم شما با مردان نزدیکی می‌کنید، و زنان را، که پروردگارمان برای همسری شما آفریده فرو می‌گذارید؟! (نه!) بلکه شما گروه متجاوزید! گفتند ای لوط! اگر از این حرف‌ها دست برداری حتماً از شهر بیرونت می‌کنیم! گفت من عمل شما را دشمن می‌دانم. پروردگارا! من و خانواده‌ام را از زشتی اعمالی که اینها می‌کنند رهایی بخش! پس او و کسانی را همگی نجات دادیم. مگر پیرزنی را که باقی ماند. پس دیگران را هلاک ساختیم! و بر آنان بارانی (از سنگ) بارانیدیم و چه بد است باران عذاب کسانی که

بیم داده شده‌اند! بی‌گمان در آن آیت عبرتی است و بیشترشان مؤمن نبودند! همانا پروردگار تو مقتدر مهربان است. (۱۶۰ - ۱۷۵)

یاران "نیکه" هم انبیا را تکذیب کردند. وقتی شعیب به آنها گفت چرا (از خدا) نمی‌ترسید؟ من پیامبر ایمانی برای شما هستم. از خدا بترسید و مرا فرمان ببرید. من از شما برای این رسالت اجر و مزدی نمی‌خواهم. پاداش من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست. پیمان‌ها را تمام به پیمانید و از کم‌فروشان مباشید! با ترازوی درست وزن کنید و چیزی را که به مردم می‌فروشید کم ندهید و در زمین بر فساد مکوشید. از آن‌کس که شما و پیشینیان را آفریده بترسید! گفتند یقین که تو جادوزده شده‌ای. تو جز بشری مثل ما نیستی و ما تو را از دروغ‌گویان می‌پنداریم! اگر راست می‌گویی قطعه‌ای از آسمان را بر سر ما فرود آر! گفت پروردگارم بدان چه می‌گوئید دانتر است. پس او را تکذیب کردند و عذاب روز "سایبان" آنها را فرا گرفت که آن عذاب روز بزرگ بود. و در آن عبرتی است و بیشترشان مؤمن نبودند! و بی‌گمان پروردگار تو مقتدر مهربان است. (۱۷۶ - ۱۹۱)

همانا این قرآن فرستاده پروردگار جهانیان است. که روح‌الامین آن را فرود آورد. بر قلب تو، تا تو از بیم‌دهندگان باشی. به زبان عربی واضح. و ذکر آن در کتاب‌های پیشینیان است. آیا آیتی برایشان نیامد که علمای بنی‌اسرائیل آن را می‌دانستند؟! اگر آن را بر یک غیر عرب نازل کرده بودیم و او آن را بر آنها می‌خواند و آنها (به عذر ندانستن زبان عربی) ایمان نمی‌آوردند! این‌چنین ناباوری را بر دل گناهکاران راه دادیم! و آنها بدان ایمان نمی‌آوردند تا وقتی که عذاب دردناک را ببینند! که به ناگاه و بدون آن که بدانند بر آنان می‌آید! پس گویند آیا به ما مهلتی می‌دهند؟! آیا در رسیدن عذاب ما شتاب می‌نمایند؟ آیا می‌دانی که اگر سال‌های مدیدی نعمتشان دهیم. بعد که عذاب موعود به سویشان آید. آن نعمت‌ها عذاب را از آنان باز ندارد!

اهل هیچ قریه‌ای را هلاک نکردیم مگر آن که بیم‌دهندگانی بر آنها بود. برای پند دادن. و ما ستمگار نبوده‌ایم. و آن قرآن را شیطان‌ها نازل نکردند. این کار نه در خور آنها است و نه می‌توانند. آنها از شنیدن (کلام الهی) بدورند. (۲۰۸ - ۲۱۲)

پس تو با خدای یگانه معبودی مخوان که از عذاب شوندگان شوی! و خویشان نزدیک را بیم ده. و بر مؤمنان، که تو را پیروی می‌کنند بال رحمت بگستران. اگر نافرمانیت کردند بگو من از اعمالی که می‌کنید بیزارم! و بر خدای مقتدر مهربان توکل کن. آن که تو را در حال قیام می‌بیند. و در میان سجده کنندگان مشاهده می‌کند. همانا که او شنونده دانا است. (۲۱۳ - ۲۲۰)

آیا می‌خواهی خبرتان کنم که شیاطین بر چه‌کسی فرود می‌آیند؟! بر هر دروغ‌گوی گناهکار نازل می‌شوند. مسموعات خود را القاء می‌کنند و بیشترشان دروغ‌گویانند! (۲۲۱ - ۲۲۳) و از شعرا، گمراهان پیروی نمایند. مگر نبینی که آنها در هر وادی سرگردانند. و می‌گویند آن چه را که عمل نمی‌کنند! به جز آنها که ایمان آوردند و کارهای نیکو کردند و خدا را بسیار یاد نمودند و از پس آن که ستم دیدند داد خود را گرفتند. و ستمگاران به زودی خواهند دانست که به کجا بازگشت می‌نمایند! (۲۲۴ - ۲۲۷)

۱. گفته‌اند که هوا بر آنها گرم شد و به زیر سایه ابری که پیدا شد پناه بردند و در آنجا عذاب بر آنها نازل گشت از این رو آن را عذاب سایبان گفتند.